

عوامل رشد و زوال شهرهای ایران در عصر تیموریان

دکتر حسین میرجعفری عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دکتر کریم یوسف جمالی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
داریوش موگویی دانشجوی دکتری رشته تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

چکیده

کلیه شئون زندگی اجتماعی ایران، از رهگذر تهاجم و حضور ترکان تیموری تحت تاثیر قرار گرفت. امروزه نتایج حاصل از حمله و هجوم ترکان تیموری و تسلط آنها بر ایران مورد بحث و بررسی عده‌ای از محققان قرار گرفته و نظرات مختلف و گاه متضادی را اظهار داشته‌اند. عده‌ای بر این باورند هجوم تیموریان مانند مغولان با سوختن و کشتن و ویرانی‌ها توأم بوده، عده‌ای دیگر نیز بر این عقیده‌اند که ویرانگری‌های آنها دوام نداشت و به مرمت و بازسازی شهرها و روستاهایی پرداختند که در حین یورش آنها ویران شده بودند. بررسی و مطالعه دیدگاه‌های فوق نشان می‌دهد که تمامی این نظریات به ارزیابی و بیان کلی حمله تیموریان در حیات شهری ایران بسنده کرده و به بررسی موردی پرداخته‌اند و هر کدام با مشاهده و بررسی وضعیت یک شهر یا ناحیه در زمان خاص، به نتایج فوق دست یافته‌اند. از طرف دیگر نظریات مزبور بیشتر دچار بزرگ‌نمایی نقش تیموریان در رشد و زوال حیات شهری در ایران هستند و هیچ کدام به دیگر عوامل موثر بر حیات شهری ایران توجه نکرده‌اند. این روش تحقیق، هدفش روشن ساختن اختلافات مطالب ارائه شده در رابطه با حملات تیموریان در برخورد با شهرها می‌باشد که کاملاً نظرات متفاوتی را ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: تیموریان، حیات شهری، رشد و زوال شهرها، هرات.

مقدمه

در آثار مورخان تیموری، نظرات متفاوتی در رابطه با حملات تیموریان و خرابی شهرها یافت می‌شود. برخی با دیدگاهی خوش بینانه حمله و حضور تیموریان را باعث رشد و شکوفایی حیات مدنی و اقتصاد شهری در ایران پنداشته‌اند و برخی دیگر اعتقاد دارند، تیموریان عامل اصلی رکود و تباهی شهرها و شهرنشینی بوده‌اند. بدون تردید عدم بررسی دقیق و همه‌جانبه وضعیت شهری ایران در دوره تیموریان علت اصلی بروز اختلاف نظرهایی چنین فاحش می‌باشد. مطالعه‌ی آثار صاحب نظران در این زمینه نشان می‌دهد که هیچیک از فرضیات مزبور مستند و بررسی استقرایی و دقیق وضعیت شهرهای ایران در دوره تیموریان نمی‌باشد و هیچیک از محققان تاریخ تیموریان به تنوع و تفاوت شهرهای ایران در دوره تیموریان توجه نکرده‌اند و وضعیت نمونه‌های مورد بررسی خود را به تمامی شهرهای ایران تعمیم داده‌اند و عوامل مختلف دیگر را مورد بررسی قرار نداده‌اند، سوال اصلی این مقاله عوامل رشد و زوال شهرهای ایران در عصر تیموریان می‌باشد که در این مقاله کوشش می‌شود به عوامل مختلف دیگر که باعث رشد و زوال شهرهای ایران گردیدند، بپردازد.

مطالعه شهرهای ایران در دوره تیموریان نشان می‌دهد که تنها حوادث تاریخی در رشد و زوال یک شهر دخیل نبوده‌اند بلکه مجموعه‌ای از عوامل سرنوشت یک شهر را رقم زده‌اند. عوامل زیر باعث رشد و توسعه و افزایش جمعیت و گسترش شهرهای ایران در دوره تیموریان گردید:

۱- موقعیت مناسب جغرافیایی و برخورداری از آب و هوای کافی و زمین‌های قابل کشت:

استقرار و توسعه فضایی شهرها و روستاها در درجه اول تابع شرایط محیطی و جغرافیایی آنهاست و فضاهای مجاور شهری و روستایی در ارتباط با عوامل گوناگون محیط طبیعی می‌باشد و شرایط اقلیمی حاکم بر آن در جهت توسعه شهرها و روستاها نقش تعیین کننده‌ای دارند. به طوری که با یکدیگر به رشد و توسعه خود ادامه داده‌اند. آب و هوا و زمین‌های کشاورزی از عوامل طبیعی است که از دیرباز نقش مهمی را در استقرار شهرها و روستاهای ایران به عهده داشته و موجب ایجاد ارتباط و دادوستد بین مراکز شهری و روستاها شده است. آب و هوا، مراتع و زمین‌های قابل کشت اهمیت خاصی برای مردم داشته‌اند و مورد توجه حکمرانان تیموری بود. گرچه حملات تیمور موجب ایجاد رعب و وحشت در دل مردم و بسیاری از حکومت‌ها شد، اما با این حال او آرامش و آسایش مردم ساکن

در شهرهای مفتوحه را تامین کرد و جانشینان او در نواحی مختلف، ضررهای گذشته را جبران کردند. آنان به این نکته مهم پی بردند که لازم است برای تامین رفاه مردم و بهبود وضع اقتصادی، زراعت و تجارت را توسعه دهند. لذا امر زراعت مورد اهمال قرار نگرفتو در بسیاری از نقاط مملکت که تا آن زمان مسکونی نشده بود را آباد کردند و جوی های آب برای کشاورزی احداث نمودند. (معین الدین نطنزی، ۱۳۸۳، ۲۲۳، ۲۲۴؛ کلاویخو، ۱۳۸۴: ۲۷۷)

در دوره تیموریان با توجه به موقعیت شهرهای بیلقان و نخجوان و نزدیکی آنها به رودخانه ارس برای زراعت و کشاورزی کانال های آب احداث نمودند که در اطراف جوی های آب مزارع زیادی احیا شد. (علی یزدی، ۱۳۷۸: ۲۱۹/۳: ۲۲۰؛ شامی، ۱۳۶۳: ۲۴۵) شاهرخ در هرات کانال آبی احداث کرد که به نام جوی ماهی گیر شهرت پیدا کرد و زمین های زراعی در اطراف آن، که تا آن موقع بایر بودند به زیر کشت رفت. (میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۸۷۲/۶) همچنین برای بازسازی سد مرو که آب آن از نهر مرغاب تامین می شد امرای نامدار را مامور آبرسانی به شهر مرو کرد و پانصد جفت گاو در امر زراعت به کار گمارده شدند و افراد زیادی از اطراف مملکت در اطراف زمین های کشاورزی سکونت اختیار کردند و به کشت محصولات پنبه، برنج و غلات مشغول شدند تا آنجا که در منطقه بادغیس به دلیل حاصلخیزی زمین از یک من غله که کشت می شد، گاهی صد من محصول به دست می آمد. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۴۴؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۱/۳۳۹: ۳۴۰)

لذا در دوره تیموریان به دلیل توجه سلاطین و امرا به احیا زمین های کشاورزی و احیای کانال های آبرسانی، شهرهایی که در اثر جنگ های متوالی تیمور دچار خرابی شدند، به سرعت رو به توسعه نهادند. چنان که کاتب یزدی میگوید: در یزد رفاه و آسایش خاصه مردم به مرتبه ای رسیده بود که بازاریان و کشاورزان مشکلی نداشتند و محصولات تولیدی را به بازارهای شهر می بردند و مردم لباس های زیبای ابریشمی می پوشیدند. گزارش نامبرده نشان دهنده رفاه اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی در آن زمان می باشد. (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۱۷۶)

۲- موقعیت مناسب تجاری و تولیدات صنعتی و محصولات صادراتی و قرار داشتن در کنار جاده های ارتباطی:

اقتصاد عصر تیموریان به طور اعم و تجارت به عنوان بخشی از اقتصاد شهری به طور خاص از ساخت سیاسی حاکم تاثیر پذیر بود. هرچند در نتیجه گرایش های متفاوت سیاسی مشکلاتی وجود

داشت، اما تلاش تیموریان این بود که جهت‌گیری‌های تجاری خود را فارغ از ملاحظات محض سیاسی تنظیم کنند. از این گذشته بخشی از تلاش‌های سیاسی و نظامی آنها در راستای امور تجاری انجام می‌گرفت و به طور مشخص اهداف اقتصادی داشت. ایران نظیر یک کاروانسرا بود که، تجار را، از شرق به غرب، از استپهای آسیای مرکزی و جلگه‌های هند تا بنادر مدیترانه و شمال و جنوب پیوند می‌داد و نیز تجارت از رودخانه‌های روسیه تا سواحل خلیج فارس و از هند شرقی و هند و چین تا سرزمین اروپا در جریان بود. (تاریخ ایران دوره تیموریان، ۱۳۷۹: ۱۹۴)

در حاشیه جاده‌های شهری سر بر آورده بود که وجود آنها بیشتر معلول عوامل جغرافیایی و اقتصادی بود تا سیاسی. در باب اوضاع تجاری و بازرگانی دوره تیموریان باید گفت: تیمور به رغم همه خرابی‌هایی که به بار آورد، تجارت را برای خزانه سلطنتی ضروری می‌دانست. در دوران تیموریان ماوراءالنهر به مرکز ثقل اقتصادی و بازرگانی تبدیل شد. و شاهره‌های بزرگ تجاری بیشتر از این نواحی عبور می‌کرد. (تاجبخش، بی تا: ۶۴۸) تیموریان در تعمیر جاده‌ها و امنیت آنها اقداماتی مهم انجام دادند که باعث جذب بازرگانان، جهانگردان و سفرای زیادی گردید. (بولنوا، ۱۳۸۳: ۳۲۹)

اقدامات تیموریان باعث پیشرفت اوضاع تجاری گردید و مناطقی مانند: سمرقند، بخارا، هرات، شیراز و یزد محل تجمع و تمرکز تجار و بازرگانان شد. تیمور تمام توان خود را برای تشویق و ترغیب و رونق تجارت و صنعت امپراطوری به کار برد و ایران را به صورت یک بازار بین‌المللی در آورد. طی نامه‌ای به شارل ششم، امپراطور اسپانیا، از او درخواست کرد که روابط بازرگانی بین شرق و غرب برقرار کنند. او معتقد بود که جهان در دست بازرگانان است. (بوات، ۱۳۸۴: ۶۴: jaen,2899,433,469)

دوره تیموریان هرات سهم عمده‌ای در تجارت به عهده داشت. این شهر محور اصلی و حیات بازرگانی و فکری آسیای مرکزی شد، و مرکز تبادل کالا و ادویه‌هایی مانند: میخک، جوز هندی، گزانبین، پوست جوز، ابریشم گیلان، عطریات و جواهرات شهرهای مختلف بود که به این شهر سرازیر می‌شدند. در ایران که کاروان‌ها راه دوردرازی را در شرایط جوی و اقلیمی متنوع می‌پیمودند، امنیت و سلامت راه‌های آن بسیار حیاتی بود. در ادواری که حکومت مرکزی مقتدر بود. چاپارخانه‌ها در دوره تیموریان، به دلیل امنیت در راه‌های تجاری شهرهای مختلف که در مسیر جاده ابریشم قرار داشتند، بعد از دوره فترت ایلخانان مجدداً رشد و توسعه گذشته را باز یافتند. (hin,1949:313)

شهرهای جیرفت، بم و هرمز مرکز اجتماع بازرگان بودند، و انواع کالاهای قیمتی مانند صدف، مروارید به سلطانیه و تبریز وارد می‌شد و در آنجا تبدیل به انگشتر و گوشواره می‌شد و به بازرگانان

صرابوزان، کریمه و کشورهای دیگر که برای تجارت به آنجا آمده بودند تحویل داده می شد. هر کدام از ملل مانند: مصر، شام، آذربایجان، عراق عرب، عراق عجم، خراسان، ماوراء النهر، ترکستان، دشت قبیچاق، چین، شرق آسیا، حبشه، هند، شهرهای ساحلشبه جزیره عربستان نمایندگانی در هرمز برای تجارت داشتند. (اکا، ۲۶۰: ۱۳۹۰؛ بارتولد، ۱۳۷۷: ۱۶۳) شهر قم در دوره تیموریان از شهرهای تجاری و کلیدی عراق عجم بود. این شهر باقرار گرفتن در مسیر شاهراههای مواصلاتی و جاده هایاصلی شمالبه جنوب شرق به غرب داشت و در مسیر سلطانیه، ری و خراسان از اهمیت خاصی برخوردار بود. (مستوفی، ۱۳۸۰: ۳۷۱؛ سفرنامه ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹: ۱۴۹)

قم در قرن هشتم و نهم هجری به دلیل ثبات سیاسی و اقدامات تجاری تیموریان و بازسازی خرابی های گذشته و رفاه و آسایش و ثبات سیاسی و اقتصادی رو به رشد و توسعه نهاد و تبدیل به شهری بزرگ شد. شهرهای دیگر مانند کاشان، نطنز و یزد که در مسیر جاده های ارتباطی قرار داشتند تولیدات ساخته شده را به شهرهای دیگر صادر می کردند و اکثر امرا و حاکمان شهر در امر تجارت و هنر سهیم بودند. (نراقی، ۱۳۸۲: ۲۸۹؛ منز، ۱۳۹۰: ۳۲۸) سلطانیه نقطه تلاقی تجارت دریایی و زمینی جهان آن روز بود و ایران را به مهمترین رابط بازرگانی میان آسیا و اروپا تبدیل کرد و از لحاظ بازرگانی و داد و ستد از تبریز اهمیت بیشتری پیدا کرد. (رحمتی، قم مرکز عراق عجم در عصر شاهرخ تیموری، ۱۳۹۱: ۵۲) از طریق سلطانیه کالاهای زیادی به دمشق و عثمانی صادر می شد و بازرگانان ژن و ونیز برای خرید کالا راهی ایران میشدند.

سرزمین فارس به مرکزیت شیراز با توجه به موقعیت جغرافیایی، بسیاری از بازرگانان را جذب می کرد و بازرگانان شیراز از راه های زمینی با سایر سرزمین های دوردست داخل و خارج ایران چه از طریق دریایی و بنادر جنوب از جمله بندر هرمز، جرون، سیراف، کیش و غیره با نواحی دیگر دادوستد داشتند. شیراز در زمان تیموریان موقعیت پیشین را حفظ کرد و یکی از شهرهای توسعه یافته و تجاری محسوب می شد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۵۰/۱؛ کتبی، ۱۳۶۴: ۱۳۶، خوب نظر، ۱۳۸۰: ۵۹۷)

در مناطق شمالی که در دوران تیموریان جزء مناطق شاهزاده نشین بود، تولیدات ابریشم و صنایع چوبی برای بازرگان و حکمرانان تیموری سود زیادی داشت و تیموریان تلاش می کردند قدرت خود را در این مناطق حفظ کنند و در آن زمان از مهمترین مناطق تجاری محسوب می شد. (روملو، ۱۳۴۹: ۱۱۶) باتوجه به اهمیت بازرگانی و تجارت در رشد و توسعه حیات شهری، تیموریان در دوران خود تمام سعی و تلاش خوش را به کار می بردند تا مناطقی که از لحاظ تجاری و اقتصادی اهمیت داشت را زیر سلطه درآورند. به همین دلیل مناطق: ماوراء النهر، خراسان، عراق عجم، مازندران، آذربایجان و فارس را

که در مسیر راه‌های تجاری قرار داشتند، به عنوان مناطقی بودند که شاه‌رگ اقتصادی تیموریان وابسته به آنها بود و جزء سرزمین‌های شاهزاده نشین محسوب می‌شدند.

۳- دارا بودن مرکزیت سیاسی، مذهبی و تاسیسات اداری و مرکز فرهنگی، مذهبی و هنری شهرها:

قرارگرفتن شهرها به عنوان مرکز قدرت سیاسی، اداری، مذهبی و هنری در رشد حیات شهری شهرها اهمیت زیادی داشت و نقش بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه شهرها داشتند. این مساله را می‌توان از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر تیموریان در مناطق پایتخت نشین مانند: سمرقند، هرات و مناطق شاهزاده نشین درک کرد. تیمور در آبادانی مرکز سیاسی خود یعنی سمرقند اهمیت زیادی قائل بود و هنرمندان و صنعتگران را از سرزمین‌های مفتوحه به آنجا انتقال می‌داد و در حومه شهر دهکده‌هایی به نام: دمشق، مصر، شیراز، سلطانیه و بغداد بنیان نهاد و کاخها، مدارس، مساجد و نهاد‌های عام المنفعه مانند: خانقاه و حمام بنا کرد. (ابن عربشاه، ۱۳۷۰: ۳۰۸، ۳۰۷؛ حبیبی، ۲۵۳۵: ۳۲) تیمور در تبدیل حیات خانه بدوشی به یکجا نشینی و شهری سهم‌بارزی داشت. این کار در نزد صحراگردان و خانه بدوشان به منزله گناهی بزرگ و جرمی نابخشودنی بود. چون آنانیه این اصل معتقدند بودند که هرگز نباید در یکجا تخت قاپو شد.

هرات در همه اعصار و قرون قلب خراسان، کلید آسیا و دروازه افغانستان و حتی شبه قاره هند شمرده می‌شد. در همه دوره‌های تاریخی از اعتبار و اهمیت برخوردار بود ولیکن دروان شکوفایی و اوج زیبایی آن مربوط به دوره تیموریان بوده است. که عظمت و اهمیت شهر هرات در سرزمین‌های خراسان جایگاه تجاری، سیاسی، ادبی، اجتماعی و مذهبی در تاریخ خاوری باعث آوازه و شکوه و ابتهرات در آن روزگار گردیده است. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۲) پادشاهان تیموری بزرگترین مدارس، خانقاهها، مساجد، دارالسیاده و کتابخانه‌ها را در این شهر به وجود آوردند. که این کانون عظیم هنری در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران به ناممکتب هرات خوانده شده است. (میرجعفری، زمینه‌های پیدایش مکتب هرات در عصر تیمور، ۱۳۸۹، شماره ۱۸، ۲۰) دوران تیموریان به لحاظ معرفت و کمال قرن طلایی دورانی است که رنسانس تیموری نامیده شد و تجلیات علم و معرفت و کمال به اوج تعالی خود رسید. (گروسه، ۱۳۷۹: ۷۵۸؛ میرجعفری، ۱۳۷۵: ۱۳۶، ۱۳۵)

۴- فعالیت عمرانی سلاطین و بزرگان و حاکمان محل در شهرها:

یکی از عناصری که در بافت شهری دوره ی اسلامی موثر است می توان از ارگحکومتی و محلات مسکونی شهری و دیوار شهر که با دروازه های خود شهر را محصور می نمود نام برد. محل قرار گیری این عناصر و ارتباط آنها با یکدیگر به اهمیت هریک از عناصر و عملکرد آن بستگی داشته است به طوری که مسجد شهر در قسمت مرکزی آن واقع بوده و به دنبال آن بازار شهر، و مجاور و جدا از آن بخش وسیع محله های مسکونی می پوشاند که اغلب وابستگی قوی به یکدیگر داشته و از یک نژاد و یک مذهب بودند و در هر محل عبادتگاه و بازارچه ی مخصوصی به خود داشتند. ارگ شهر که جایگاه سلطان و یا حاکم شهر بود به صورت بخش قلعه ای به شمار میآمده که در مجاور مراکز مذهبی و اقتصادی شهر قرار داشته است. عنصر ارگ، بخش خودکفا بوده که معمولاً بر بلندی بنا میشد و توسط دیوارهای مستحکم محافظ می شده است. تیمور که خود را به عناصر نظامی قلمرواش و امال شهر و روستا بیش از حد وابسته احساس می کرد، در حقیقت به اقدامی که نزد کوچروانیه عنوان گناه بزرگ قلمداد می شد، مبادرت جست و در تبدیل حیات خانه بدوشیبه زندگی یکجا نشینی و شهری سهم بارزی داشت. (آکا، ۱۳۹۰: ۲۴۲)

بزودی سمرقند به یک کلان شهر تبدیل شدو به خاطر موقعیت جغرافیایی، سیاسی و قرارگرفتن در مسیر جاده ابریشم رو به رشد و توسعه نهاد. تیمور برای محافظت آن، گرداگرد شهر را حصار کشید و اطرافش را خندق حفر کرد. در پیرامون سمرقند خانه های بسیاری ساخته بودند که از محله ها و توابع در همه سوی شهر گسترده و باغ ها احاطه شده بودند. این آبادی ها در فاصله یک فرسخ و نیم و گاهی دو فرسخ در پیرامون شهر گسترده شده بودند و شهر در میان آنها قرار داشت. جمعیت چنان زیاد بود که در داخل بارو، خانه و مسکنبرای آنها پیدا نمی شد و بیشتر در بیرون شهر سکونت داشتند. (ویلبر، ۱۳۴۸: ۶۸؛ کلاویخو، ۱۳۸۴: ۲۸۴، ۲۸۵) تیموریان که با هدف بهره بردن از نفوذ معنوی شیوخ در میان خلائق به تدریج سیاست اسلامی را برای رسیدن به مقاصد و اهدافشان دنبال می کردند، به تعمیر مقابر شیوخ صوفی مانند: خواجه احمد سیوی در شهر سیو و شیخ عبدالله انصاری در هرات پرداختند. (بلر، شیلا دس، بلوم، ۱۳۸۲: ۶۱)

در دوره تیموریان عمارت زیادی برای سلطان و امراء نامدار ساخته شدند و نمای هنرهایی چون: شعر، موسیقی، نقاشیو خطاطی بودندو به دلیل حضور سلطان در راس فعالیت های عمرانی همه کارکنان حکومتی و اعیان و بزرگان در ساخت موسسه های عام المنفعه: مانند مدرسه، کتابخانه، پل، کاروانسرا،

بیمارستان، مهمانخانه، گرمابه و داروخانه مشارکت داشتند. (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۶۲: ۳۷۶) اگرچه عمارت‌هایی که در دوره تیموریان ساخته شد جز آثار معماری ایران شمرده می‌شوند ولیکن از نظر عظمت و نیز نمای بیرونی برتر از نمونه‌های معماری ایرانی هستند.

۵- مهاجرت به شهرهای در حال توسعه:

یکی از عوامل رشد حیات شهری شهرها مهاجرت اقوام گوناگون به شهرها یا در حال توسعه بود. که به دلیل داشتن موقعیت سیاسی، فرهنگی، تجاری و کشاورزی از رفاه اقتصادی و امنیت و آرامش نسبی برخوردار بودند و مردم می‌توانستند در چنان مناطقی به زندگی خویش ادامه دهند. لذا در دوران تیموریان مهاجرت به شهرها که به عنوان پایتخت یا مرکز تجاری و فرهنگی و مذهبی محسوب می‌شدند مورد توجه مردم عادی بود. تیمور با انتخاب سمرقند به مرکز قدرت خویش درصدد بود تا استحکام بنیادهای پیشرفت اقتصادی و شان و شوکت بخشیدن به قدرت و اقتدار خود، تمامی موارد و دارایی منقول را به ماوراءالنهر منتقل سازد. بنابراین وسایل لازم برای توسعه اقتصادی ماوراءالنهر و تبدیل شدن سمرقند به یک مادر شهر با شکوه و شایسته یک سلطان از ایران و سایر کشورها فراهم شد. تیمور در واقع در پی آن نبود که شهرهای مفتوحه را عاری از همه چیز کند و ذخایر و مواد با ارزش آنان را مصادره نماید، بلکه مایل بود دارایی منقول از هر نوع را که شامل: متعه قابل جف در خدمت او باشند. به خصوص افراد کارآمدی چون: اهل حرفه و پیشه‌ورانی که می‌توانستند موجب رشد و تحول سرزمین او شوند از اهمیت برخوردار بودند. عالمان و فقیدان نیز از این امر مستثنی نبودند و آنان را با خود به سمرقند برد. در این دوره به علت توجه زیاد تیمور به عمران و آبادانی ماوراءالنهر این نواحی مرکز ثقل اقتصادی و بازرگانی گردید و شاهراه‌های بزرگ تجاری بیشتر از این نواحی عبور می‌کرد و سمرقند را به بزرگترین مرکز تجاری تبدیل کرد. به همین دلیل در تعمیر جاده‌ها و امنیت جاده‌ها اقدامات مهمی انجام داد. تیمور تمام توان خود را برای تشویق و ترغیب و رونق صنعت و تجارت در امپراطوری به کار برد و سمرقند را به صورت یک بازار بین‌المللی در آورد، که در آن تجار سرزمین‌های مختلف و محصولات و کالاهای دورترین مناطق جمع شده بودند. مجامع صنعت‌گران ورزیده و هنرمندان زبده و برگزیده اعم از: کاشیکار، سلاح‌ساز، بلورساز، بافنده و غیره با ملیت ایرانی، چینی و سوریانی خواه به میل و رغبت و خواه با زور در این نقطه گرد آمده بودند و به حرفه و هنر خویش برتری روز افزون می‌دادند. شرایط امنیتی و رفاه اقتصادی باعث افزایش مهاجرت اقوام مختلف به این

شهرشد. اقوامی مانند: ترکان، تازیان، یونانیان، ارمنیان، هندیان، و فرقه های مختلف مسیحیت مانند: کاتولیک ها، یعقوبی ها و سطوریان جمعیت این شهر را تشکیل می دادند. مدت کوتاهی جمعیت سمرقند به یکصد و پنجاه هزار نفر رسیده بود. (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۲۸۵، ۲۸۴)

شاهرخ و فرزندانش که انسان های سلیم النفس بودند، در جهت آبادانی و احیای شهرها تلاش زیادی کردند. شاهرخ با انتخاب هرات به عنوان پایتخت به جذب هنرمندان، دانشمندان، شعراء و معماران جهت توسعه آن پرداخت و خراسان مرکز تصمیم گیری های سیاسی و نظامی شد و به دلیل ارتباط خارجی گسترده با سایر کشورها، اهمیت و نقش سیاسی، فرهنگی و تجاری فراوانی یافت. خراسان در قرن نهم ه. ق. یکی از درخشان ترین دوران تاریخی خویش را آغاز کرد که در تمام طول تاریخ دارای چنین عصر طلایی نبود. هرات در دوران تیموریان به دلیل افزایش جمعیت و ساخت و ساز ساختمان های عام المنفعه، مدارس، خانقاه، مساجد و کاخ ها و بازارهای متعدد بسیار پر جمعیت و گسترده شده بود. (یوسف ابونصر هروی، ۱۴۴۷، مقدمه، یز؛ اسفزاری، ۱۳۳۸: ۷۸)

شاهرخ در سال ۸۰۷ ه. ق. تجدید و احیای شهر طوس یا تابران را در دستور کارهای عمرانی خود قرار داد و یکی از امرای خود به نام سیدی را مامور آبادانی شهر کرد. شهر طوس تجدید عمارت شد و لیکن ساکنان آن که به مشهد مهاجرت کرده بودند برگشتند. شهر طوس به دلیل مهاجرت ساکنین به دهکده های سناباد که آن روز مسغد نامیده میشد، به دلیل جنگ های متوالی به کلی ویران شده بود و مشهد به علت سابقه مذهبی روز به روز بر اهمیت آن افزوده می شد و دیگر شهرهای خراسان را تحت الشعاع قرار می داد. و مهم ترین شهر خراسان شد. امکنه زیارتی، همیشه موجب گسترش مراکز بازرگانی می شدند و این امر شامل مشهد هم می شد و مشهد بزرگترین شهر تجاری و بازرگانی در آن زمان بود که اقوام و ملل شرقی در بازار آن مشغول تجارت بودند. به همین علت مردمان شهرهای اطراف را به خود جذب می کرد. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۸۲؛ بارتولد، ۱۳۷۷: ۱۲۴)

شهر مرو که از زمان حمله مغول تبدیل به یک ویرانه شده بود در زمان شاهرخ بازسازی شد و شاهرخ دستور داد تا کارگران با وسایل لازم بهانتقال آب به مرو مشغول شوند و در این زمینه ۵۰۰ جفت گاو به کار گرفته شد. از مجموع اطراف و اکناف مردم جهت سکونت به آنجا روی آوردند و شهر جدید مرو احیا گردید ولیکن جزایبیت های شهر هرات باعث گردید که بیشتر مردم مرو به هرات مهاجرت کنند تا از امکانات و امنیتی که در پایتخت وجود داشت بهره بیشتری ببرند. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۳۳۹/۱: ۳۴۰؛ بارتولد، ۱۳۷۷: ۵۱)

عوامل زیر باعث رکود حیات شهری و کاهش جمعیت شهرها شدند:

۱- تغییر شبکه راه ها و از دست دادن موقعیت تجاری شبکه آبیاری و تنزل موقعیت کشاورزی شهرها و روستاها: نکته گفتمی آتیه حفظ و حراست راه های تجاری از عوامل مهم تجارت خارجی شرق در تمام دوران بود. تحول و توسعه بازرگانی تا میزان شایان توجهی به کیفیت و امنیت راه ها، پراکندگی شبکه های ارتباطی، تعداد منازل و استراحتگاه های مناسب، چاه های آبرسانی، پل ها و غیره بستگی داشت. درجه تحول و توسعه شهرها نیز به این عوامل مربوط بود. چون هر شهری بالاتر از هر چیز دیگر، محلی برای تجارت و معاوضه کالا بود. قلب بارزگان آن همیشه بازارها، انبارها و دفترخانه ها بودند و یکی از ضروریات حیاتی هر شهری راه داشتن به یک شبکه ارتباطی ماورای منطقه ای بود. از این حیث، وجود دولت های سازمان یافته و متمرکز با امکانات وسیع توسعه منطقیهای، بهره گیری عالی از تحکیم و توسعه تجارت داخلی ایران بود. ارگان های تشکیلاتی یک چنین ساختار دولتی بسیار تواناتر از نظام حکومتی کوتاه مدت و بی ثبات محلی بود، چون کیفیت، امنیت و قابلیت متعدد عناصر مورد نیاز زیر ساخت اقتصادی را تضمین می کرد. به همین دلیل جز تغییرات سیاسی سطحی هم مکرر بر حیات بازرگانی ایرانی تاثیر سود داشت.

تیمور که امپراطوری وسیعی را ایجاد کرده بود و تجارت را برای خزانة سلطنتی امری ضروری می دانست میخواست نظارت بر جاده های بازرگانی میانی آسیا و اروپا را برقرار سازد. بدین جهت کوشید تا عراق و کشورهای نواحی قفقاز و آسیای صغیر را که اکثر جاده های تجاری از شهرهای آن عبور می کرد را تسخیر کند. جاده های کاروان رو شمالی را که از نواحی مجاور کرانه دریای سیاه و صحراهای کرانه دریای خزر عبور می کردند و تیمور توان حفظ سلطه بر آن نواحی را در خود نمی دید را مسدود کرد. بدین منظور تمام شهرهای را که در مسیر جاده های مذکور بودند را از بین بردو بسیاری از مردم آن شهرها به مناطق دیگر مهاجرت یا متواری شدند. این عامل باعث رکود حیات شهری و کاهش جمعیت در شهرهای مذکور گردید. (پیگو لوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۴۲۹)

شهرهای دیگر مانند سیستان و کرمان به علت شورش مکرر علیه تیموریان رو به خرابی نهادند و شاهرخ برای تسلیم مردم شورشی سیستان و کرمان دستور داد تا سدها را بشکنند و آنها را در مضیقه آب قرار دهند و نیروهای شاهرخ به تخریب عمارت و دیه ها و باغ ها پرداختند که همین عامل با توجه به موقعیت جغرافیایی منطقه و کمبود آب در آن سرزمین باعث رکود حیات شهری شهرها در دراز مدت در آن منطقه شد. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۲۷۲)

شهر سلطانیه که در زمان ایلخانان پایتخت ایران بود و از لحاظ تجاری نسبت به مراکز دیگر اهمیت ویژه داشت. علاوه بر مسیر آبی ابریشم، راه زمینی آن به هندوستان نیز با گذر از تبریز به سلطانیه، به سوی جنوب با راه آبی به هم می پیوست، ولی پیش از رسیدن به خلیج فارس، در کرمان از آن جدا می شد و به سوی شرق امتداد می یافت. در زمان تیمور موقعیت خویش را تا حدودی حفظ کرده بود. (بیانی، ۱۳۸۳: ۱۶۶) لیکن با مرگ تیمور به علت حمله ترکمانان قراقویونلو جنگ های شاهزادگان تیمور موقعیت بازرگانی گذشته خویش را از دست داد و رو به انحطاط گذاشت. هر چند شاهرخ تلاش کرد با تصرف سلطانیه از دست قراقویونلوها و تسلط بر محور بازرگانی هرمز-سلطانیه از جایگاه برجسته در تجارت جهانی برخوردار شود و لیکن با مرگ او سلطانیه از دست آنها خارج شد و مردم آن به شهرهای دیگر مهاجرت کردند. (آکا، ۱۳۹۰: ۱۵۸؛ سومر، ۱۳۶۹: ۱۰۹)

۲- اقلیم نامساعد، عدم دسترسی به آب و زمین های قابل کشت، طغیان شهرها علیه تیموریان و منازعات حاکمان محلی: یکی از عوامل اصلی رکود حیات شهری و کاهش جمعیت در بعضی از نواحی، اقلیم نامساعد و کمبود بارندگی و زمین های غیر حاصلخیز بوده است. فرومانروایی برای کمبود آب برای زمین های قابل کشت اقدام به احداث سدهایی برای آب رسانی به مناطق شهری و روستایی می کردند و هزینه زیادی صرف نگهداری چاه ها و قنات ها می شد که از عهده مردم عادی خارج بود و دولت ها این وظیفه را به عهده می گرفتند. در زمان های تهاجم خارجی و مقاومت مردم مهاجمان، برای تسلیم مردم تحت فشار قرار دادن آنها، اقدام به شکستن سدها و در مضیقه قرار دادن مردم از لحاظ آبی اقدام می کردند. در دوره تیموریان مردم سیستان و کرمان به علت پشتیبانی به حکمرانان محلی بارها علیه تیموریان قیام کردند. همین مسئله استقلال طلبی و سر فرود نیابردن در مقابل تیموریان و مقاومت مردم در برابر تیموریان باعث خرابی و ویرانی این مناطق شد. شاهرخ برای تسلیم کردن مردم سیستان دستور داد سدهای این منطقه را بشکستند تا مردم از مقاومت دست بردارند و همین مسئله باعث رکود حیات شهری در این مناطق شد که از لحاظ اقلیمی دچار کمبود آب و زمین های مساعد بودند. منازعات محلی و شاهزادگان نیز از عوامل دیگر رکود حیات شهری شهرها بودند، که عدم ثبات سیاسی و اقتصادی را بسیاری از مناطق باعث ویرانی و خرابی شهرها و جادهایی می شد، که به دلیل نبود امنیت کاروان ها در آن مناطق رفت و آمد نمی کردند. رقابت حکمرانان محلی در مازندران و حکمرانان تیموری در استرآباد به اقتصاد و حیات جوامع شهری و روستایی آسیب فراوان می رساند. (مرعشی، ۱۳۷۷: ۱۲۴)

۳- کوچ ساکنان شهرها: نبود امنیت مالی و جانی و جنگ‌های بی وقفه و طولانی در دوران مختلف تاریخی از دیگر عوامل مهاجرت نفوس شهرها به مناطقی بود که دارای اهمیت و رفاه اقتصادی نسبی بودند، جنگ‌های سی ساله تیمور و جنگ‌های شاهزادگان تیموری بر سر مناطق سیرسلطه خویش با یکدیگر و شورش حکمرانان محلی و رقابت حکمرانان محلی با یکدیگر باعث مهاجرت مردم به شهرهایی مانند: طوس به مشهد و مردم مرو به هرات میشد که دارای امنیت و رفاه اقتصادی بودند، مهاجرت نمایند. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۸۲، بارتولد، ۱۳۷۷: ۱۲۴)

۴- از دست دادن دادن مرکزیت سیاسی و اداری شهرها: شهر تبریز و سلطانیه که در دوران ایلخانان مرکز قدرت بود. به دلیل جنگ‌های طولانی میان تیموریان و ترکمانان و شاهزادگان تیموری موقعیت گذشته خویش را از دست داد و شهرهایی مانند اصفهان و شیراز که در دوران آل مظفر مرکز قدرت بودند دیگر مانند گذشته حیات شهری خویش را حفظ نکردند. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج. ۱: ۷۵۲)

۵- حملات نظامی، صدها وارده به شهرها، اغتشاشات داخلی و نزاع شاهزادگان: جنگ‌های متوالی تیمور و جنگ‌های داخلی بین شاهزادگان تیموری بر سر جانشینی تیمور و شاهرخ بسیاری از شهرها را درگیر کرد و عدم ثبات سیاسی و هزینه لشکرکشی‌ها باعث بی‌سروسامانی شهرها و کاهش جمعیت و نقل و انتقالات اجباری مردم گردید. (نبئی، ۱۳۷۹: ۱۷۶) شهرهایی مانند اسفراین به دلیل شورش مردم و غارت مکرر اقوام هزاره و نکو دری مغول رو به ویرانی نهاد و در دوران تیموری فرصت احیاء پیدا کرد. (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۳۴۴) درگیری‌های مکرر میان شاهزادگان تیموری در فارس و کرمان و آذربایجان با یکدیگر و با قراقویونلوها باعث تنزل حیات شهری در این نواحی گردید. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج. ۱: ۷۷، ۷۹)

۶- استقرار طوایف ترکمن و ترک در مناطق شهری به بعضی از اقلیم‌های ایران مانند: آذربایجان برای زندگی کوچروی بسیاری مناسب بود و می‌توانست پاسخگوی نیازهای معیشتی ایلات باشند. تنوع آب و هوا و مراتع این سرزمین شرایط مناسب را برای بیلاق و قشلاق ایلات فراهم می‌کرد. (بیانی، ۱۳۷۵، ج. ۳: ۱۰۴۹) آذربایجان تا پایان حکومت ایلخانان موقعیت خویش را حفظ کرد. پس از سقوط آنها حکومت‌های محلی مانند: آل جلایر، آل چوپان، آل مظفر، برای تسلط بر این ناحیه به مبارزه ادامه دادند و در اواخر قرن هشتم هجری ترکمانان قره قویونلو بر این سرزمین تسلط پیدا کردند. تیمور این سرزمین را از دست آنها خارج کرد و با مرگ او مجدداً بین شاهزادگان تیموری و ترکمانان مبارزه ادامه یافت و به دلیل مبارزه طولانی و عدم ثبات سیاسی و استقرار طوایف ترکمن و ترک در این منطقه

زندگی عشیرتی رواج پیدا کرد و حیات شهری این نواحی را دچار رکود کرد. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج. ۱، ۱۷۵: ۱۷۱؛ آکا، ۱۳۹۰: ۲۵۷)

۷- احجافات مالیاتی و دیوانی: مشاغلی که در زمینه کشاورزی، تولید صنعتی و تجارت غنی بودند پایگاهی مهم برای کسب درآمد مالیاتی و نیروی انسانی نظامی به شمار می آمدند. با توجه به اینکه حکومت تیموریان دارای سپاهی عظیم بود که هزینه لشکرکشی آنها به عهده مالیات دهندگان بود این مناطق در مجموع موهبتی مهم برای حکومت بودند. تاریخهای متعدد نوشته شده در این منطقه آگاهی های ارزشمندی را درباره طبقه بزرگان در شهرهای آنجا و مناسبات آنها با حکومت تیموری را در اختیار ما می گذارند. کارگزاران حکومت برای دوره های طولانی در یک شهر باقی می ماندند و از نزدیک با زندگی شهری سروکار داشتند. بزرگان شهر بیشتر قدرت خود را مرهون داشتن وکالت اهالی محل بودند اما بسیاری از آنها در خدمت حکومت تیموری بودند. (منز، ۱۳۹۰: ۲۰۹)

تیموریان در دوره های امنیت و رونق جلب اعتماد و نظر رعایا موفقیت بیشتری داشتند، اما هرگاه که نظم در مرکز حکومت از بین می رفت بخش اعظم این اعتماد را از دست می دادند. حاکمان و بزرگان شهرها در بیشتر زمان ها در زمینه حفظ امنیت پایگاه های مالیاتی و برقراری نظم شهری همکاری داشتند شورش مردم اصفهان در سال ۷۹۰ ه. ق. علیه محصلین مالیاتی و کشته شدن سه هزار نفر از سربازان تیمور توسط مردم اصفهان نشان دهنده احجافات مالیاتی تیمور برای تهیه مال برای هزینه سپاهیان بود که در این درگیری نزدیک به هفتاد هزار نفر از مردم اصفهان کشته شدند. (علی یزدی، ۱۳۸۷/۵۸۸) حسن نیت و همکاری حکومت در زمینه حمایت از اقتصاد شهری و کشاورزی برای حفظ قدرت سیاسی اهمیت داشت. به هر روی در چنین برهه هایی بود که مناسبات سیاسی میان فرمانروایانو شهرها مشکلتر میشد. شاهزادگان منابع محدودی در اختیار داشتند و مجبور بودند به دقت میزان مالیاتی را که میتوانند وضع کنند و تعداد شکستهایی را که بدون از دست دادن وفاداری رعایای خود برایشان قابل تحمل بود در نظر بگیرند. بزرگان شهر که اکثرا از قدرت تصمیم گیری میان دفاع و تسلیم در دست آنان بود باید حدس می زدند که کدام رقیب پیروز احتمال خواهد بود و با حداقل آسیب و زورگویی حکومت خواهند کرد. مخاطرات زیاد بود و اشتباه در محاسبه برای افرادی چون شاهزادگان، فرمانروایان یا بزرگان شهر منجر به از دست دادن مقام، مجازات و اغلب مرگ می شد و در همان حال برای شهر غارت یا دست کم باج سنگینی به همراه داشت. در زمان جابجایی حاکمان مناطق مختلف بسیاری از اموال مردم توسط حاکم جدید مصادره می شد بنابراین در دوره هایی که ثبات حکومت در زمان فرمانروایانی مانند شاهرخ برقرار بود موجب رونق و توسعه شهرها می شدند.

متأسفانه بعد از مرگ فرمانروایان با اقتدار، آرامش و ثبات سیاسی ناپایدار می‌شد. آشفتگی‌هایی که با شورش محمدبن بایسنقر در سال ۸۴۹ هجری آغاز شد مشکلات زیادی را برای مردم اصفهان، شیراز و یزد بوجود آورد درگیری مابین افراد شاهزادگان باعث گردید مردم یزد خسارات زیادی ببینند و مبلغ هفتصد هزار تومان از شهر و ولایت گرفتند و حکمرانان چشم به مال مردم داشتند. (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۲۰۹)

۸- بلاهای طبیعی مانند زلزله، سیل و بیماری مرگ آور همچون طاعون و وبا: از عوامل دیگر کاهش جمعیت و رکود حیات جوامع شهری و روستایی در طول تاریخ بلاهای طبیعی و بیماری‌های مسری بوده‌اند که باعث بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی می‌گردیدند و مردم شهرها و روستاهای خود را ترک می‌کردند و به مناطق دیگر مهاجرت می‌کردند که همین عامل باعث کاهش جمعیت شهرها و روستاها و بایر شدن زمینهای زراعی میشد. زلزله سال ۸۰۸ ه. ق. در نیشابور باعث کشته شدن مردم این ناحیه شد و آسیب فراوان به شهر وارد کرد و مردم به نواحی اطراف پراکنده شدند. (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۳۳، ۳۴)

وقوع سیل در یزد باعث ویرانی و خرابی عمارت و مدارس و مساجد و باغات شهر گردید. شیوع بیماری طاعون و وبا در سال ۸۰۹ ه. ق. در شهرهای اصفهان، تبریز و طاعون در هرات در سال ۸۳۹ ه. ق. مردم این نواحی را دچار قحطی کرد و بسیاری از جمعیت شهرها جان خود را در قحطی و بیماری از دست دادند و حیات شهری دچار رکود گردید. (کاتب یزدی، ۱۳۸۶: ۲۴۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۱۵۲)

نتیجه

محققین دوره ی تیمور برخی با دیدگاه خوش بینانه حمله و حضور تیموریان را باعث رشد و شکوفایی حیات مدنی و اقتصادی در ایران پنداشته‌اند و برخی دیگر اعتقاد دارند تیموریان عامل رکود و تباهی شهرها و شهرنشینی بوده‌اند. مطابق فرضیه و دیدگاه اصلی این تحقیق نظرات و فرضیات مزبور عمدتاً بر پایه ارزیابی‌های شتابزده و سطحی از تاثیر تیموریان بر حیات شهری ایران ارائه شده است و هیچکدام مبتنی بر واقعیت‌های جامعه ایران در دوره ایران سابقه طولانی و دیرینه دارد و بسیاری از عوامل از نظر تاریخی در تشکیل و توسعه حیات شهرهای ایران دخیل بوده‌اند و بدیهی است که حمله تیموریان به تنهایی نمی‌تواند سرنوشت کلیان را تغییر دهد. همانطور که در بررسی شهرهای ایران در

دوره تیموریان نشان داده شده هر یک از شهرهای ایران با توجه به محیط طبیعی و ویژگی های اقتصادی و فرهنگی، خاص متفاوتی از جمله و حضور تیموریان در ایران را پذیرفته است. عواملی مانند موقعیت مناسب جغرافیایی و برخورداری از آب کافی و زمین های قابل کشت و تولیدات صنعتی و محصولات صادراتی، موقعیت مناسب تجاری و قرار داشتن در کنار جاده ای ارتباطی، موقعیت مدنی و وجود منابع زیر زمینی، موقعیت شهرهای مذهبی، وجود اماکن متبرک به ویژه مزارات مقدس شیعیان و شیوخ صوفی، موقعیت سوق الجیشی و بهره مندی از استحکامات طبیعی و نظامی دارا بودن مرکزیت سیاسی و تاسیسات اداری و مراکز فرهنگی و هنری، فعالیت ها ی عمرنی بزرگان و حاکمان محلیف فعالیت های عمرانی سلاطین و وزرای سلاطین و بزرگان و امرای سپاهیان نظامی تیموریان، مهاجرت به شهرهای در حال توسعه باعث رشد و افزایش جمعیت و گسترش شهرهای دوره تیموریان گردید و عواملی مانند: تغییر شبکه ی راه ها و از دست دادن موقعیت تجاری و شبکه آبیاری و تنزل موقعیت کشاورزی، اقلیم نامساعد، عدم دسترسی به آب چاه و زمین قابل کشت، طغیان و شورش مردم شهرها و روستاها علیه حاکمان محلی بر سر قدرت، کوچ ساکنان شهرها، از دست دادن مرکزیت سیاسی و اداری، حملات نظامی بر اثر اغتشاشات داخلی و آشوب های سیاسی، حملات نظامی بر اثر درگیری های خارجی و لشکرکشی متقابل بین تیموریان و ترکمانان قره قویونلو. حملات و تعرضات طوایف ترکمن، صدمات وارده به شهرها در دوره ی تهاجم، حملات نظامی تیموریان، استقرار طوایف ترکمن و ترک در مناطق شهری، احجافات مالیاتی و شیوه چپاولگرانه دیوانی، بلاهای طبیعی مانند زلزله، طاعون و وبا، باعث رکود و زوال شهرهای دوره تیموریان گردید. مطالعه شهرهای ایران در دوره تیموریان نشان می دهد که تنها یک عامل از عوامل مذکور در رشد و زوال یک شهر دخیل نبوده اند بلکه مجموعه ای از عوامل سرنوشت یک شهر را رقم زده اند.

منابع

- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه (۱۳۷۰) ج اول. ترجمه محمدعلی موحد. چاپ پنجم.
- ابن عربشاه (۱۳۷۰ و ۱۳۶۵) زندگی شگفت‌آور تیمور. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: علمی فرهنگی.
- اسفرزاری، معین‌الدین زمچی (۱۳۳۸) *روضات الجنات فی اوصاف مدینه الہرات*. تصحیح محمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- آکا اسماعیل (۱۳۹۰) فعالیت‌های عمرانی تیموریان در دوره سلطنت شاهرخ میرزا. ترجمه اکبر صبوری. وزارت آموزش و پرورش. دفتر انتشارات کمک آموزشی. دوره دوازدهم، شماره ۴ رشد آموزشی.
- (۱۳۹۰) تیموریان، ترجمه اکبر صبوری. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بارتولد، و (۱۳۷۲) تذکره جغرافیای تاریخی. ترجمه حمزه سردادور. انتشارات توس. چاپ سوم.
- بارتولد، ویلهلم (۱۳۷۷) تذکره جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بلر- شیلان و جانانتان بوم (۱۳۸۲) هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی (دوره ایلیخانان و تیموریان). ج ۱. ترجمه سید محمدسی هاشمی گلپایگانی. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- بوات، لوسین (۱۳۸۴) تاریخ مغول (تیموریان). ترجمه محمود بهفروزی. چاپ اول. تهران: نشر آزاد مهر.
- بولنوا، لوس (۱۳۸۳) راه ابریشم. ترجمه ملک ناصر نویان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۲) تاریخ آل جلائیر. تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۷۵) دین و دولت در ایران عهد مغول. جلد سوم. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پیگولوسکایا و دیگران (۱۳۵۴) تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی. چاپ چهارم. تهران: پیام.

- حافظ ابرو (۱۳۷۰) جغرافیای خراسان در تاریخ حافظ ابرو. به تصحیح غلامرضا ورهرام. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
- _____ (۱۳۷۲) زبدة التواریخ. ج ۱، ۲، تصحیح سیدکمال حاج سید جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حبیبی، عبدالحی (۲۵۳۵ ش) هنر در عهد تیموریان کابل. انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی (۱۳۷۲) مآثر الملوک. تصحیح میرهاشم محدث. چاپ اول. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- _____ (۱۳۶۲) حبیب‌السییر. ج ۳ و ۴. تصحیح محمد دبیرسیاقی. چاپ سوم. تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- خوب نظر، حسن (۱۳۸۰) تاریخ شیراز. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.
- دانشگاه کمبریج (۱۳۷۹) تاریخ ایران دوره تیموریان. یعقوب‌آزند. چاپ اول. تهران: جام.
- رحمتی، محمدرضا (۱۳۹۱) قم، مرکز عراق عجم در عهد شاهرخ تیموری. فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام. سال دوم، شماره ششم.
- روملو، حسن بیک (۱۳۵۷) احسن التواریخ. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- روملو، حسن (۱۳۴۹) احسن التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سفرنامه وینزیان در ایران (۱۳۴۹) ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی.
- سومر، فاروق (۱۳۶۹) قراقویونلوها. ج ۱. ترجمه وهاب ولی. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳) ظفرنامه. چاپ اول. انتشارات بامداد.
- علی یزدی، شرف‌الدین (۱۳۷۸) ظفرنامه. جلد اول و دوم. به تصحیح سید سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی. چاپ اول. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس و شورای اسلامی.
- کاتب، یزدی احمد بن حسین (۱۳۸۶) تاریخ جدید یزد. به کوشش ایرج افشار. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- کتبی، محمود (۱۳۶۴) تاریخ آل مظفر. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- کلاویخو (۱۳۸۴) سفرنامه کلاویخو، مسعود رجب‌نیا. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.

- کونثو، پائولو (۱۳۸۴) تاریخ شهرسازی جهان اسلام. ترجمه‌ی سعید تیر قلم زنوزی. چاپ اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- مرعشی، میرسید ظهیرالدین بن سیدنصیرالدین (۱۳۴۵) تاریخ طبرستان و رویان و مازنداران. به کوشش محمدحسین تسبیحی. تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۷) نزهة القلوب. به اهتمام محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابفروشی طهوری.
- (۱۳۸۹) نزهة القلوب. تصحیح گای لیسترانج. چاپ اول. تهران: اساطیر.
- (۱۳۸۱) تاریخ گزیده. به کوشش عبدالحسین نوائی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منز بئاتریس فوریز، قدرت (۱۳۹۰) سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری. ترجمه جواد عباسی. چاپ اول. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- میر جعفری، حسین (۱۳۷۵) تاریخ تیموریان و ترکمانان. چاپ اول. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- (۱۳۸۳) حمله تیمور به مازندران و عوامل سقوط مرعشیان. اصفهان: مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۳۷، ۳۶.
- (۱۳۸۹) زمینه‌های پیدایش مکتب هنری هرات در عصر تیمور و انتقال موارد آن به عصر صفوی. پژوهش‌نامه تاریخ دانشگاه آزاد بجنورد. شماره ۱۸، سال پنجم.
- میرخواند (۱۳۷۵) روضه‌الصفاء. جلد ۴ و ۶، تخلص عباس زریاب خویی. چاپ دوم. تهران: علمی.
- (۱۳۷۵) روضه‌الصفاء. قسم اول. تخلص عباس زریاب خویی. تهران: علمی.
- (۱۳۸۰) محمدبن خاوند شاه‌بن‌محمود، تاریخ روضه‌الصفاء. جلد ۶، ۷، ۱، ۹. به تصحیح جمشید کیان‌فر. چاپ اول. تهران: اساطیر.
- (۱۳۷۳) محمدبن خاوند شاه بلخی. جلد ۶-۵-۴، تخلص از عباس زریاب. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی، روضه‌الصفاء.
- نبئی، ابوالفضل (۱۳۷۵) اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم هجری. چاپ اول. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- نراقی، حسن (۱۳۸۲) آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. چاپ دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی دانشگاه تهران.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳) منتخب التواریخ معینی به اهتمام پروین استخری. چاپ اول. تهران: اساطیری.

نطنزی، معین‌الدین (۱۳۳۶) منتخب التواریخ معینی. تصحیح ژان اوین. تهران: خیام.
یوسف ابونصری هروی، قاسم (۱۳۴۷) رساله طریق قسمت آب قلب. تصحیح مایل هروی. بنیاد و فرهنگ ایران.

*Jeans arc heveque de sutanieh, memoire sur Tamerlan et sapubl
par H. Moranville dans la Bibbliothèque de lecole des chotes. T.
lv. 1894.*

*Hinz, Ein orientalisches Handelsunternehmen im 15 Jahrhundert
(Diewit des orientis 1949)*